

دکتر حسن افراخته

دانشگاه تربیت معلم تهران

## تجارت فرامرزی، سیطره شهری و تغییر کارکرد روستایی

مورد: ناحیه روستایی زاهدان

### چکیده

مقاله حاضر با تکیه بر بررسی میدانی در نواحی روستایی ناحیه مرزی زاهدان، نشان می‌دهد که در اثر توسعه تجارت فرامرزی و سیطره روز افزون مراکز شهری (شهر زاهدان)، کارکرد سنتی ناحیه روستایی زاهدان تغییر کرده است. کشاورزی از تولید نیازهای مصرفی مردم فاصله گرفته است. سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی دارند و درآمد به دست آمده از فعالیتهای تجاری رکن اساسی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد. اما به دلیل نبود سازماندهی فعالیتهای تجاری، روستاییان در واقع حق العمل کار تجار شهری‌اند. تجار شهری از فرصت استفاده کرده سهمیه ای را که دولت جهت تأمین معیشت روستاییان اختصاص داده، تصاحب کرده و نوعی تجارت متکی به یارانه سازمان می‌دهند. آنها کالاهای مصرفی و کشاورزی وارد می‌کنند که موجب تضعیف بنیان اقتصادی منطقه شده و نقشی منفی در توسعه ناحیه ایفاء می‌کند.

**کلمات کلیدی:** کارکرد روستایی، زاهدان، تجارت مرزی، سیطره شهری، نقش خوابگاهی

### درآمد:

کارکرد نواحی روستایی در کشورهای اروپایی سه مرحله متفاوت را پشت سر گذاشته است: اولین مرحله زمانی بود که جوامع اروپایی، به ویژه اروپای شمال غربی، غالباً روستایی بودند و اقتصاد روستا مبتنی بر تولیدات کشاورزی بود که با تولیدات تجاری و صنعتی شهرها مورد معاوضه قرار می‌گرفت. در دومین مرحله پس از انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن، کارکرد نواحی روستایی به طرف وابستگی فزاینده به اقتصاد شهری پیش رفت.

امروز شاهد سومین مرحله در کارکرد نواحی روستایی کشورهای غربی هستیم که در اثر تحولات اقتصادی، آینده شهرها و روستاها و کارکرد آنها به گونه یکسانی شکل می‌گیرد. به طوری که نیویبای<sup>۱</sup> می‌گوید برای اولین بار از زمان انقلاب صنعتی و تحولات تکنولوژیکی نواحی روستایی اجازه می‌یابند که با شهرها از نظر فرصتهای شغلی رقابت کنند (Davoudi and Dominic, 2003:269-277).

تحولات مراحل سه گانه کارکردی نواحی روستایی کشورهای غربی در کشور ما نیز در جهتی مشابه اما با کیفیتی کاملاً متفاوت اثر گذاشته است.

مطالعاتی که در کشورهای شرقی، به طور اعم، و کشور ایران، به طور اخص، صورت گرفته نشان می‌دهد که کارکرد واحد نواحی شهری و روستایی بسیار استثنایی و مربوط به دوره محدود اسلامی بوده است که در آن به جای شهر و ده از منطقه شهری نام می‌برند. در این دوره شهر و ده از نظر فرهنگی، فرهنگ مشترکی داشته‌اند، از نظر اقتصادی نیز جدایی میان کار و داد و ستد و کشاورزی از یکسو، و کار و داد و ستد صنعتی از دگرسوی، در اجتماعات شهری و روستایی به طور کامل پدید نیامده بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۵۰-۷) پس از آن اگرچه بیشتر نواحی روستایی بر اساس تئوری سرمایه داری بهره‌بری<sup>۲</sup> هانس بوبک در انقیاد مالکان شهری بوده و آنها شیوه‌های گوناگون تسلط مطلق اقتصادی خود را بر مناطق روستایی اعمال می‌کردند، (مطالعات انگلیس در منطقه کرمان، کپ<sup>۳</sup> در جلگه مازندران، مؤمنی در ملایر (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۱۰۰-۱۶۴) بازن در قم (بازن، ۱۳۶۷: ۳۰۶-۲۳۹) و اهلرز در طبس (اهلرز، ۱۳۵۶: ۱۶۶-۱۷۵) و در دزفول (اهلرز، ۱۳۵۷: ۲۶-۲۱) با این حال، حداقل تا سالهای ۱۳۰۰ که مقارن آغاز ادغام ایران در نظام سرمایه داری جهانی است، روستاها کارکرد تولیدی به‌ویژه تولید کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی داشته‌اند که با تولیدات تجاری و برخی مصنوعات شهری معاوضه می‌شده است و صرفنظر از ماهیت شهرنشینی و روستانشینی و ساز و کار حاکم بر ارتباطات میان آنها، بیشتر کالاهای مصرفی شهری در روستاها تولید می‌شد و شهرها وابسته به روستاها بودند، ۸۵ درصد جمعیت کشور روستایی بودند و نیازهایشان را خود تولید می‌کردند. در سالهای ۱۳۱۰ بر اثر افزایش درآمد نفتی، واردات مواد غذایی با تولیدات روستایی رقابت کرد (سلیمی پور، ۱۳۷۸: ۱۹۴-۱۷۵). تحولات ناشی از بروز انقلاب صنعتی در غرب، در کشور ما نیز موجب وابستگی فزاینده نواحی روستایی ایران به اقتصاد شهری

1. Howard Newby
2. Rental Capitalism
3. Kopp

گردید (نظریان، ۱۳۶۴: ۲۸۳-۲۶۷ و حسامیان، ۱۳۶۳: ۶۴-۳۷). به این معنی که تسلط کانونهای جهانی از طریق مراکز اصلی داخلی، تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را به شکلی دیگر تنظیم نمود. این روند در آغاز بیشتر متأثر از روندهای ادغام در نظام سرمایه داری جهانی بود، سپس از طریق اصلاحات ارضی و به دنبال آن، با افزایش قیمت نفت و اهمیت آن در درآمد ملی شدت پذیرفت و تبدیل به فرآیندی شد که هم امروز نیز هر چند متأثر از عوامل متفاوتی است، ولی به جریان خود ادامه داده است. بدین شکل رشد و گسترش شهرها و کارکرد اقتصادی آنها، نه براساس تقسیم کار مناسب اجتماعی-اقتصادی میان مراکز شهری و روستایی و تکمیل عملکردهای این دو گونه واحد زیستی، بلکه مبتنی بر جدایی گزینی و سیطره بی چون و چرای شهرها بر مراکز روستایی شکل گرفته است.

مرحله سوم تحولات کارکردی نواحی روستایی غرب، که متأثر از جهانی شدن اقتصاد و تمرکز ثروت و کالاهای جهانی بوده است، نیز به شکل دیگری در کشورهای شرقی ظاهر شده است. گسترش شرکتهای فراملی در بخش تولید فرآورده های کشاورزی (تولید بذر)، صنایع نساجی و تجارت به طور غیرمستقیم، تأثیر خود را در حذف تولیدات مصرفی روستایی به جای گذاشته و تولید از نیاز مصرفی مردم فاصله گرفته است (Chairman of KMP, 2001). از طرف دیگر سازماندهی تجارت شهر و ورود کالا به گونه ای است که تسلط عمده فروشی ها و خرده فروشی های شهر در تأمین انحصاری نیازمندیهای حوزه های روستایی از پیدایش و رشد خرده فروشی روستایی جلوگیری کرده است؛ چیزی که از آن به عنوان «قبضه کردن رفع نیازها و نیازهای زیستی روستا توسط شهر نام می برند که از ویژگیهای اقتصادی ممالک کم رشد است» (اهلرز، ۱۳۷۳: ۶۵-۲۷).

این عملکرد نظام سلطه جهانی و گره های شهری مرتبط با آنها در ناحیه مرزی زاهدان کارکرد ویژه ای را به نواحی روستایی تحمیل کرده است. بررسی تغییر کارکرد نواحی روستایی در ناحیه مرزی زاهدان تحت تأثیر عملکرد شهر زاهدان و تشعشعات نظام اقتصاد جهانی هدف اصلی نوشتار حاضر است و این فرضیه مورد آزمون قرار می گیرد که در اثر توسعه تجارت فرامرزی و سیطره روز افزون مراکز شهری (شهر زاهدان) کارکرد سنتی ناحیه روستایی زاهدان به عنوان تولید کننده محصولات کشاورزی و نیازهای مصرفی مردم تغییر پیدا کرده است؛ سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی یافته اند؛ در عین حال مردم به فعالیت اقتصادی ویژه ای سوق داده شده اند که نقش منفی در توسعه ناحیه ایفاء می کند.

### روش تحقیق و ناحیه مورد مطالعه:

اساس مطالعه مبتنی بر داده‌هایی است که از طریق پرسشگری محلی و مراجعه به شوراهای محلی و برخی منابع در ارتباط با هدف تحقیق جمع‌آوری شده است.

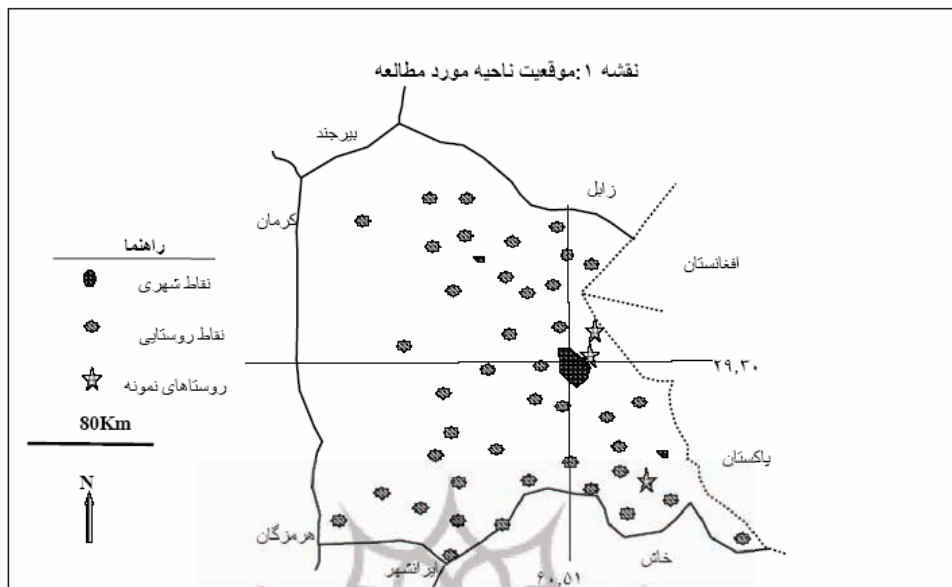
جامعه آماری تحقیق را ۱۰۷ روستای بیش از بیست خانوار حوزه نفوذ شهر زاهدان تشکیل می‌دهد که جمعیتی حدود ۳۶۹۰ خانوار را در بر می‌گیرد. ابتدا اغلب روستاهای ناحیه مورد بازدید قرار گرفت و اطلاعات لازم در ارتباط با هدف تحقیق جمع‌آوری شد. بر اساس این مطالعات روستاهای مورد مطالعه به سه گروه تقسیم شد:

گروه اول، روستاهای برخوردار از منابع آب و خاک زراعی به طور نسبی مطلوب در فاصله دورتر از شهر که دسترسی مناسبی به محورهای تردد مرزی دارند و شامل ۳۸ روستا می‌باشد.

گروه دوم، روستاهای کوهستانی مرزی با منابع محدود زراعی که ۳۳ آبادی را شامل می‌شود. گروه سوم، کلاته‌های واقع در نزدیک شهر و برخوردار از زمین زراعی مطلوب که در آنها فعالیتهای کشاورزی نسبت به دیگر روستاها از قدمت بیشتری برخوردار بوده است. تعداد این آبادیها ۱۶ کلاته بوده است.

آنگاه برای حصول اطمینان بیشتر از اطلاعات به دست آمده از هر یک از گروههای روستایی مزبور، یک روستا که بر اساس بررسی‌های اولیه می‌توانست نمونه مناسبی از جامعه خود باشد، به عنوان نمونه انتخاب شد و اطلاعات مورد نیاز تحقیق در این روستاها با دقت و جزئیات بیشتری جمع‌آوری و ثبت گردید. به این ترتیب روستای سرگه با ۱۳۶ خانوار جمعیت در فاصله ۹۰ کیلومتری شهر به عنوان روستای نمونه اول، روستای لار با ۷۲ خانوار در فاصله ۲۱ کیلومتری از شهر به عنوان روستای نمونه دوم و روستای همت آباد با ۹۳ خانوار جمعیت در فاصله سه کیلومتری از مرکز شهر به عنوان روستای نمونه سوم گزینش شد (نقشه شماره ۱).

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آمار توصیفی (فراوانی متغیرها) و تشریح تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتیجه‌گیری شده است.



## داده‌های تحقیق

### اقتصاد کشاورزی

در روستاهای نمونه اول در گذشته‌ای نه چندان دور، دامداری رکن اصلی اقتصاد را تشکیل می‌داده که بر پرورش دام کوچک (میش و بز) در کوهها و نگهداری شتر در دشتهای استوار بوده است. نظام زمین داری به دلیل تسلط زندگی و خصلت عشایری، نبود زمین حاصلخیز و ضعف منابع آب جاری از موقعیت ناچیزی برخوردار بود.

نهضت روستاسازی و فعالیت کشاورزی پدیده‌ای نوظهور و به سالهای بعد از ۱۳۰۷ باز می‌گردد (جانب الهی، ۱۳۷۵: ۸۲-۹۵۷) که در آن ایام شهر زاهدان حدود کمتر از ۵۰۰۰ تن جمعیت داشته است.

با شکل‌گیری کشاورزی، گندم عضو اصلی ساختار زراعی مصرفی را تشکیل می‌داد که همراه یونجه در حد مصرف دامها تولید می‌شد. در روستاهای نزدیکتر به شهر، سبزی و صیفی نیز به منظور فروش در بازار تولید می‌شد.

نظام بهره‌برداری کشاورزی مبتنی بر سهم بری بود. سهم بزرگ‌تر یک سوم محصول بود و دو سوم تولید به مالک زمین تعلق داشت که سهم اربابی براساس حق آب بین تیره‌های مالک (ریگی‌ها) تقسیم

می‌شد (زنده‌مقدم، ۱۳۷۰: ۳۵۹-۳۴۵). عدم تخصص رعایای روستا، سهم آنان را با در نظر گرفتن سهم مولوی به کمتر از یک سوم محصول تنزیل داده بود. اشتغال نیروی کار افغانی در تولید زراعی ناحیه در سالهای اخیر نیز وضعیت سهم بری را همچنان تداوم بخشیده است.

روستاهای نمونه دوم به تبعیت از ساختار طبیعی خود بیشتر از راه فعالیت‌های دامداری گذران زندگی می‌کردند. این فعالیت اکنون به شلنت رو به افول گذاشته است. تولید گندم، جو و صیفی سنتی نیز جای خود را به تولید و کشت یونجه داده که پدیده‌ای جدید در ناحیه است.

در روستاهای نمونه سوم (نزدیک به شهر) نظام زراعی مبتنی بر نصفه کاری بود. زیرا بزرگ مالکان زمین که یک تن رئیس مالیه زاهدان (کسروی) و دیگری از افسران ارتش (سرتیپ تاجبخش) بوده، به دلیل تخصصی بودن کشت و این که زارعان متخصص را از ناحیه یزد به خدمت گرفته بودند؛ به نصفه کاری رضایت داده بودند. در واقع تخصص سنتی زارع در تولید برای رعیت موقعیت بهتری به همراه آورده بود (فشارکی، ۱۳۷۰). به همین دلیل از سال ۱۳۲۴ نظام سهم بری به اجاره داری تبدیل شده بود.

اصلاحات ارضی دهه ۴۰ در روستاهای نمونه اول و دوم تأثیری نداشت، زیرا به دلیل برتری نظام قبیله‌ای و قدرت مالکان، زارعان به عنوان خرده مالک به مأموران اصلاحات ارضی معرفی شده بودند و دولت نیز انگیزه‌ای برای دخالت و برخورد با بزرگ مالکان نداشته است. اما زارعان روستاهای نمونه سوم (همت آباد) تحت تأثیر مفاد مرحله سوم قانون و با توجه برخی روحانیون مبنی بر این که زارع باید رضایت مالک را جلب کند، اقدام به خرید زمین زراعی می‌نمایند.

تقریباً در همه نواحی به تدریج بهره‌برداری از منابع آب یا استفاده از آب قنات‌ها و حفر چاه‌های عمیق گسترش یافت که بهره‌برداری زراعی در اثر خشکسالی سالهای ۴۷-۱۳۴۴ در برخی نواحی نوساناتی می‌پذیرد.

پس از انقلاب اسلامی کارگران افغانی در روستاهای نمونه اول جانشین بزرگان بومی می‌شوند که به تناسب اشتراکات قومی، جذب آن نواحی شده‌اند. رعایای سابق بومی به کارگران و کسبه شهری تبدیل شده‌اند. کشت خود مصرفی گندم و جو نیز به نفع کشت تجاری یونجه در همه جا عقب‌نشینی کرده و این یک قانون در نظام زراعی ناحیه بوده است. در روستای نمونه اول قلمرو کشت یونجه به ۵۰ درصد کل اراضی زیر کشت افزایش یافته و کشت گندم تنها ۳۳/۵ درصد اراضی را به خود اختصاص داده است. بالاخره صیفی و سر

درختی ها به ۱۶/۵ درصد اراضی تنزل پیدا کرده است و در روستاهای نمونه دوم و سوم به جرأت می توان گفت که علوفه تنها محصول زراعی است.

عوامل مؤثر در این وضعیت عبارت اند از:

- گسترش شهر زاهدان و افزایش جمعیت آن به حدود ۵۱۸ هزار تن، تقاضای بازار فرآورده های دامی را افزایش داده است. در نتیجه توسعه دامداریها منجر به افزایش تقاضای یونجه تولیدی شده است. با توجه به ویژگیهای خاص توسعه شهری علاوه بر دامداریهای صنعتی، در کلیه مناطق حاشیه ای شهر اغلب مردم تعدادی دام برای رفع نیاز شخصی و یا پروار آن نگه می دارند که آنان نیز از خریداران علوفه تولیدی هستند که توسعه حمل و نقل نیز به این امر کمک کرده است.

- رقابت درآمدهای حاصل از مبادلات فرامرزی سبب شده است که زارع فعالیتهای تولیدی کم زحمت تر را ترجیح دهد تا فرصت کافی برای فعالیتهای واسطه گری مرزی داشته باشد. از این رو به کشت یونجه روی آورده که پس از کشت اولیه بدون نیاز به فعالیت زراعی عمده تا هفت سال قابل برداشت می باشد. - افزایش هزینه ماشین آلات کشاورزی، هزینه تولید گندم را بالا برده است. برای کشت یک هکتار گندم با استفاده از ماشین آلات سالیانه به ۳۰ هزار تومان نیازمند است و در قبال آن با قیمت جاری سال ۱۳۸۳، تنها ۴۱۲ هزار تومان درآمد ناخالص داشته است. درآمد ناخالص جو ۷۵ هزار تومان بوده است، در صورتی که کشت یونجه با همین مقدار هزینه اولیه کشت تا هفت سال محصول می دهد و درآمد ناخالص سالیانه آن بر حسب ۸ ماه برداشت در سال (از اواخر فروردین تا آبان ماه) حداقل یک میلیون تومان بوده است.

- خط مشی دولت مبنی بر ارائه آرد و نان یارانه ای و همین طور ارائه انواع سیوس یارانه ای به دامداران (Un Mission report, 2000:16) سبب شده که تولید محدود گندم و جو نیز وارد مبادلات تجاری ناحیه گردد و تولیدات محدود روستاییان در بازار به فروش می رسد.

### تولید صنعتی روستایی

تولید صنعتی در روستاهای ناحیه جایگاهی ندارد. در سال ۱۳۷۰ با استفاده از امتیازات دولتی دو کارخانه در روستای نمونه اول تأسیس شد.

کارخانه اول کارخانه چتایی بود که مواد اولیه آن از شبه قاره هند وارد می شد و حدود ۲۰ تن از کارگران محلی را به استخدام در آورده بود. فعالیت غیر منظم کارخانه بالاخره در سال ۱۳۸۰ منجر به تعطیلی کارخانه شد.

کارخانه دیگر کارخانه پلاستیک سازی بود که از محل تجهیز و تدارک صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی جهت ایجاد اشتغال نیروهای بومی تأسیس شده بود. این کارخانه نیز کارایی لازم را نداشت، فعالیت دولت جهت واگذاری کارخانه به بخش خصوصی نیز ناکام مانده و بالاخره به تعطیلی کامل کارخانه انجامید. علت اصلی حذف فعالیت‌های صنعتی آن بود که نیروی کار بومی به دلیل رقابت در آمد حاصله از فعالیت‌های تجاری مرزی حاضر به کار در بخش صنعت نبود. استفاده از نیروی کار افغانی به دلیل مقررات دولتی و بیمه‌ای با مشکل روبرو بود و تأمین کارگر از شهر زاهدان نیز به دلیل هزینه و وقت لازم برای رفت و آمد برای کارفرما مقرون به صرفه اقتصادی نبوده است.

در روستاهای نمونه دوم تولید صنعتی محدود به صنایع دستی بافت لباس بلوچی بوده است. فعالیت صنعتی در روستای نمونه سوم به دلیل مجاورت به شهر به کارگاه‌های گچ بری، موزائیک‌سازی، تولید بلوکهای سیمانی محدود می شود و کارخانه تولید پنیر روستا به دلیل این که بتواند از مزایای وام و اعتبارات دولتی استفاده کند، اجباراً به شهرک صنعتی شهر منتقل گردید.

### فعالیت‌های تجاری:

تجارت رکن اساس اقتصاد روستایی در روستاهای نمونه اول است. به دلیل مجاورت با مرز و گسترش شهر زاهدان جریان تجاری به شکل‌های مختلفی در ناحیه رواج دارد.

ورود کالای مرزی توسط افراد دارای کارت تردد مرزی: این افراد اغلب روستاییان و مهاجران بی بضاعتی هستند که به صورت حق العمل کاری برای صاحبان سرمایه شهری کار می کنند. آنان در قبال ورود هر گونی برنج ۵۰۰۰ ریال و در برابر ورود هر جعبه نارنگی ۳۰۰۰ ریال حق الزحمه دریافت می دارند.

براساس یک برآورد ۳۰۰۰ تن در صادرات و واردات غیر مجاز مرزی فعالیت دارند و ۳۰۰ و انت بار جهت حمل بار از مرز میر جاوه به شهر زاهدان مورد استفاده قرار می گیرند (جمالزهی، ۱۳۶۹: ۷۰). تاجر وارد کننده، کالا را در آن سوی مرز به سرگروه واسطه‌ها تحویل می دهد و در بازار شهر زاهدان از او



بازمی‌ستاند. هر ۲۰ تن از آنها زیر نظر یک سرگروه کار می‌کنند. کالاهای رسیده به عمده فروشی زاهدان مجدداً برای تأمین برخی نیازهای مصرفی مردم و مغازه‌های روستایی به ناحیه برگشت داده می‌شوند. تولیدات روستایی در تجارت فرامرزی نقشی ندارند، زیرا تولید عمده آنان یونجه و محدودی گندم است که وارد بازار زاهدان می‌شود.

بنابراین فعالیتهای تجاری فرامرزی یکی از اشتغالات مردم روستایی ناحیه است که نقش رقابتی منفی در گسترش تولید ناحیه به عهده دارد.

تولیدات پنبه‌ای محلی ناحیه و صنایع ریسندگی و بافندگی سستی وابسته به آن با رقابت واردات پارچه هندی به طور کلی از صحنه ناحیه رخت بر بسته است (افراخته، ۱۳۸۳). واردات تولیداتی چون خربزه کویته، نارنگی پنجاب، موز سند، چای سیلان و برنج پاکستان که در کشتزارهای وسیع مکانیزه و با استفاده از نهادهای مدرن تولید می‌شود، نقش رقابتی نه تنها در تولید ناحیه بلکه تولیدات زراعی کشور اعمال می‌کند.

از روستاهای نمونه دوم تنها شیر در سطح محدودی توسط یک خانوار دامدار به طور روزانه وارد بازار شهر می‌شود که در قبال آن کلیه نیازهای روستایی و حتی علوفه دامها از شهر زاهدان تأمین می‌شود.

یونجه تولیدی روستاهای نمونه سوم به دو صورت وارد بازار می‌شود. گاهی پس از برداشت توسط زارع در عمده فروشی شهر به فروش می‌رسد و زمانی دامداریهای شهر برحسب میزان زمین یونجه تولیدی را خریداری و خود به تدریج اقدام به برداشت محصول می‌نمایند. بخش عمده‌ای از محصول این بخش توسط دامداران سستی حاشیه‌نشین‌های شهر زاهدان خریداری می‌شود.

### فرصت‌های شغلی

برآورد نمونه‌ای نشان می‌دهد که جمعیت ناحیه روستایی در حال افزایش است. در فاصله سالهای ۷۵-۱۳۶۵ جمعیت حوزه نفوذ شهرستان زاهدان ۵/۷ درصد افزایش یافته است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان در سالهای مربوط). برآورد نمونه‌ای واقعیات بیشتری را از افزایش جمعیت روستاهای ناحیه نشان می‌دهد. در روستاهای نمونه اول سرمایه‌گذارهای دولتی به عنوان حمایت از توسعه کشاورزی در مرمت قناتها موجب به کارگیری جمعیت مهاجر در این نوع فعالیتها شده است. جمعیت مهاجر افغانی همچنین جایگزین بزرگان بومی شده‌اند که به دلیل برتری فعالیتها مبادلات فرامرزی جذب این گونه فعالیتها شده‌اند و امروزه

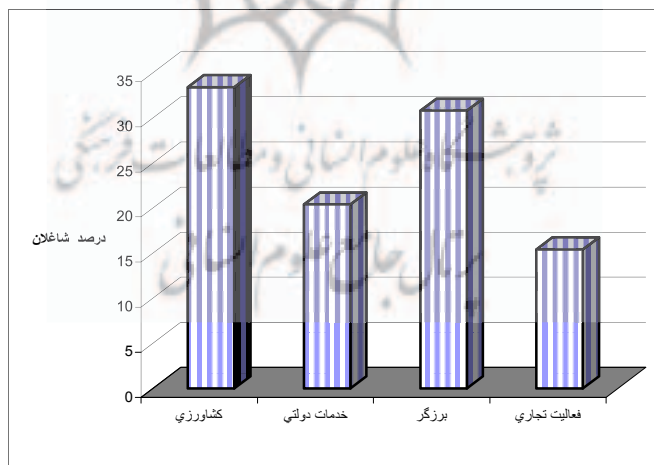
هیچ بومی‌ای دیده نمی‌شود که به عنوان بزرگ‌کار کند و این وظیفه را به مهاجران افغان سپرده‌اند. جدول ۱ و نمودار ۱، ترکیب شغلی جمعیت روستای نمونه اول را نشان می‌دهد که بر اساس آن فعالیت‌های تجاری رقم قابل توجهی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ترکیب شغلی جمعیت روستای سرگه (۱۳۸۳)

درصد خانوار	تعداد خانوار	نوع فعالیت
۳۳/۴	۴۵	کشاورزی (خویش فرما)
۲۰/۴	۲۸	خدمات دولتی شهر زاهدان و میر جاوه (ساکن روستا)
۳۰/۸	۴۲	بزرگ‌سهم بر
۱۵/۴	۲۱	فعالیت‌های تجاری (ساکن روستا)
۱۰۰	۱۳۶	جمع

منبع: بررسی محلی (۱۳۸۳)

نمودار ۱: ترکیب شغلی جمعیت روستای سرگه به درصد



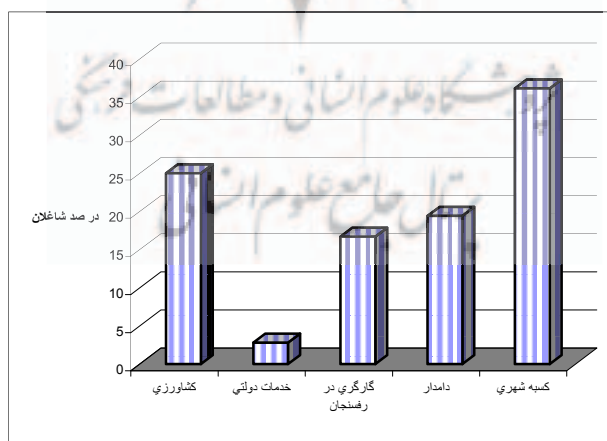
علاوه بر آن افراد خانواده های کشاورز و یابزرگر و شاغلان بخش خدمات نیز در صورت یافتن فرصت و روتق مبادلات فرامری از این منابع نیز برخوردار می شوند. ترکیب شغلی روستاهای نمونه دوم در جدول ۲ و نمودار ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ترکیب شغلی روستای لار پایین (۱۳۸۳)

درصد	تعداد خانوار	نوع فعالیت
۲۵	۱۸	کشاورزی (ساکن روستا)
۲/۸	۲	کارمند شهرهای زاهدان و زابل (ساکن روستا)
۱۶/۷	۱۲	کارگری در باغ های پیسته رفسنجان (ساکن روستا)
۱۹/۴	۱۴	دامدار (ساکن روستا)
۳۶/۱	۲۶	مغازه دار و کاسب شهر زاهدان (ساکن روستا)
۱۰۰	۷۲	جمع

منبع: بررسی محلی (۱۳۸۳)

نمودار ۲: ترکیب شغلی روستای لار پایین



نکته قابل توجه آن که برخی از خانواده‌ها (۲۵ خانوار) در طول سال تحصیلی ساکن زاهدان بوده و در اولین فرصت تعطیلات به روستا باز می‌گردند.

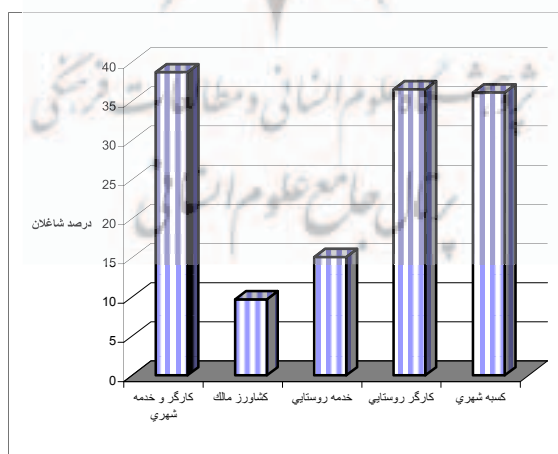
ویژگی شغلی روستاهای نمونه سوم به دلیل نزدیکی به شهر ترکیب پیچیده‌ای دارد که در جدول ۳ و نمودار ۳ درج شده است.

جدول شماره ۳. ترکیب شغلی جمعیت روستای همت آباد (۱۳۸۳)

درصد خانوار	تعداد خانوار	نوع فعالیت
۳۸/۷	۳۶	کارگر، کسبه، راننده و کارمند شهر زاهدان (ساکن روستا)
۹/۷	۹	کشاورز مالک (ساکن روستا)
۱۵/۱	۱۴	کسبه و کارمند روستایی (ساکن روستا)
۳۶/۵	۳۴	کارگر کارگاههای روستایی و کارگر بخش کشاورز روستایی (ساکن روستا)
۱۰۰	۹۳	جمع

منبع: بررسی محلی (۱۳۸۳)

نمودار ۳: ترکیب شغلی جمعیت روستای همت آباد



بر اساس جدول و نمودار، ۳۸/۷ درصد ساکنان روستا را کارکنان قشر فقیر شهر زاهدان تشکیل می‌دهد که به دلیل ارزانی قیمت زمین و خرید زمین غیر قابل کشاورزی روستا به آنجا روی آورده‌اند (قیمت متوسط زمین هر متر مربع ۵۰۰۰۰۰ ریال در شهر و ۲۰۰۰۰ ریال در روستا) محله «چلی آباد» در فاصله بین شهر و روستای همت آباد در سالهای اخیر ایجاد شده که افراد آن را مهاجران فقیر افغانی تشکیل می‌دهند که بیشتر در فعالیتهای تجاری غیر مجاز اشتغال دارند و تأثیر منفی در سکونت روستا به جای می‌گذارند.

### بحث (تحلیل داده‌ها)

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که سکونتگاههای روستایی از کارکرد سنتی خود یعنی تولید فرآوردههای کشاورزی مصرفی فاصله گرفته است. تولیدات سنتی روستایی از بین رفته است. مردم ناحیه به مصرف کننده مواد غذایی (گندم، برنج، چای) و انواع میوه (انبه، خربزه، نارگیل، موز و...) کشتزارهای مدرن شبه قاره هند تبدیل شده‌اند که در واقع تولیدات شرکت‌های فراملی‌اند. به هر حال برای تأمین بذر مورد نیاز (بذریونجه) در آغاز هر فصل کشت مجبور به مراجعه به واسطه‌های وارد کننده می‌باشند. تولید یونجه به عنوان مهمترین محصول تجاری ناحیه بیانگر گسترش فعالیت زراعی نیست، بلکه بیانگر آن است که به دلیل رقابت محصولات وارداتی از یک طرف و رقابت فعالیتهای مجاز و غیر مجاز تجاری شهری و مرزی از سوی دیگر، تولید ناحیه اعم از زراعی یا صنعتی مقرون به صرفه اقتصادی نیست. اگر تولید یونجه استمرار دارد به دلیل آن است که این کشت به نیروی کار و زحمت کمتری نیاز دارد و به آسانی توسط دامداریهایی که در مراکز شهری توسعه یافته‌اند، خریداری می‌شود. به همین دلیل هرچه به مراکز شهری نزدیکتر می‌شویم تولید یونجه به تنها محصول زراعی تبدیل می‌شود ولی در روستاهای دورتر از شهر هنوز تا حدودی تولید گندم رایج است.

جدول شماره ۴: روند تحول کارکردی نواحی روستایی

کارکرد کنونی				کارکرد سستی (تولید سستی)	روستاهای نمونه	
نقش سکونتی	اشتغال عمده دیگر مردم	تولید صنعتی	تولید کشاورزی و سطح زیر کشت به درصد			
محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده‌های روستایی	فعالیت تجاری مرزی، خدمات شهر میرجاوه و زاهدان	کارگاه گچ بری، موزاییک، بلوک سیمانی	۵۰ ۳۳/۵ ۱۶/۵	یونجه گندم صیفی و سر درختی	گندم، جو، دامداری	گروه اول
محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده‌های روستایی	کارگری در باغ های رفسنجان	—	۱۰۰	یونجه و نگهداری دام	تولید گندم، جو، سبزی و صیفی	گروه دوم
محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده‌های روستایی	کارگری و کارمندی در شهر و روستا	—	۱۰۰	یونجه	تولید گندم، جو، سبزی و صیفی	گروه سوم

منبع: بررسی محلی

بنابراین در حذف فعالیت‌های تولیدی کشاورزی رقابت فعالیت‌های تجاری مرزی نقش مهمی داشته است و صنایع روستایی به دلیل رقابت فرصت‌های شغلی و درآمدی تجارت فرامرزی در ناحیه جایگاهی ندارد. به دلیل واردات تولیدات مصرفی غربی، به‌ویژه تولیدات جنوب و شرق آسیا، تولیدات صنایع قدیمی و شبه کارگاهی ناحیه قدرت رقابت نداشته و از گردونه تولید خارج می‌شوند. همان‌گونه که تولید پنبه و تولیدات ریسندهی و بافندگی سستی وابسته آن در ناحیه در اثر ورود پارچه و بافته‌های هندی حذف شده‌اند. تجارت فرامرزی نقش مهمی در اقتصاد روستایی بازی می‌کند، اما روستاییان نقش واسطه‌هایی را به عهده دارند که توسط تجار شهری، واردکنندگان مرزی و بین‌المللی به خدمت گرفته شده‌اند، زیرا سرمایه، مهارت و سازماندهی لازم را برای ایجاد تجارت متوازن و رقابتی در ناحیه ندارند. آنها درآمد به طور نسبی بالایی دارند، اما این درآمد قابل اتکا نبوده و در واقع به مویی بند است؛ به همین دلیل نمی‌تواند نقشی شایسته در توسعه ناحیه

ایفا کند و با انواع چالش‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی روبرو هستند. (Poureslami & others, 2004: 20-33).

واردات یکطرفه کالاهای مصرفی و صدور غیر مجاز کالاهای اساسی و یارانه‌ای بنیان اقتصادی ناحیه را تضعیف می‌کند. توزیع کالاهای وارداتی نیز به گونه‌ای است که عمده فروشی‌ها و خرده‌فروشی‌های شهر در تأمین نیازمندیهای حوزه‌های روستایی تسلط کامل داشته و از پیدایش و رشد خرده‌فروشی روستایی جلوگیری کرده‌اند؛ زیرا بازرگانان در آن سوی مرز کالا را به واسطه‌ها تحویل می‌دهند و در بازار چهارراه رسولی شهر زاهدان آن را تحویل می‌گیرند به همین دلیل قیمت کالاهای وارداتی در شهر زاهدان به مراتب ارزانتر از قیمت آن در روستاهای مجاور مرزی است.

جایجایی نیروی کار پیچیدگی بیشتری دارد. به طور سنتی روستاییان به صورت روزانه، دوره‌ای یا فصلی برای کار به مراکز شهری می‌روند و به روستای خویش باز می‌گردند. در مواردی این حرکت به مهاجرت دائم تبدیل می‌شود. مهاجرت روستاییان ناحیه به عنوان کارمند، کارگر و کاسب به مراکز شهری نمونه‌ای از این حرکات است و یا مهاجرت نیروی کار روستایی ناحیه به صورت فصلی به باغهای پسته رفسنجان به عنوان نمونه دیگری قابل ذکر است. پدیده جدید در حرکت نیروی کار ناحیه آن است که گروهی برای کار از مراکز شهری به کارگاههای مراکز روستایی مراجعه می‌کنند، که در واقع نوعی رقابت مراکز روستایی با مراکز شهری از نظر ارائه فرصت‌های شغلی است. این حرکت با حرکت شاغلان کم درآمد شهری برای اسکان به مراکز روستایی تکمیل می‌شود. این حرکت موجب توسعه مراکز سکونتی در روستای همت آباد و پیرامون آن شده است. بنابراین برخلاف گذشته مرسوم جمعیت حوزه نفوذ روستایی کاهش نمی‌یابد و ماندگاری جمعیت روستایی بیشتر شده است.

آنچه که به خوبی محسوس است، آن است که جمعیت قصد ترک دائمی روستا را ندارند زیرا از طرفی نیروی پس ران شهری اجازه ورود افراد روستایی به شهر را نمی‌دهد و از طرفی مالکیت زمین از احترام خاصی برخوردار است و موجب دلبستگی مردم روستایی به آب و خاک اجدادی می‌شود؛ موضوعی که موجب می‌شود جمعیت روزی خود را در فاصله ۷۰۰ کیلومتری بجوید و آن را در روستای فقیر اجدادی به مصرف برساند. بدین گونه است که روستاهای در فاصله ۹۰ کیلومتری نیز نقش خوابگاهی پیدا کرده‌اند و جمعیت بومی برخلاف عدم اشتغال در آنجا اسکان می‌یابد.

نواحی روستایی شاهد سرمایه‌گذاری محدود دولتی در توسعه منابع آب و خاک و حمایت از قشر آسیب‌پذیر است که اهمیت بسزایی در ایجاد اشتغال روستایی دارد، اما اولاً این نوع سرمایه‌ها به هر حال نوعی تزریق سرمایه بدون بازگشت است و از سودآوری آن نمی‌توان اطمینان داشت، ثانیاً نسبت به تداوم این نوع سرمایه‌گذاری اطمینانی وجود ندارد. گذشته از اینها ناحیه روستایی قادر به جذب سرمایه‌گذاری صنعتی و موگد بخش دولتی و یا خصوصی نبوده است. به دلیل موقعیت مرزی روستاها و رقابت فعالیت‌های تجاری فرامرزی، سرمایه‌گذاری تولیدی از میدان رقابت حذف شده و روستاها را از موقعیت تولیدی به موقعیت خوابگاهی تبدیل می‌کند. بنابراین نمی‌توان دیگر از روستا به عنوان ناحیه کشاورزی یاد کرد که پدیده‌ای نوظهور در ناحیه است.

### نتیجه‌گیری

بررسی نشان می‌دهد که روستا از کارکرد تولید سنتی کشاورزی خارج شده و جنبه خوابگاهی پیدا می‌کند. بنابراین دیگر از ناحیه روستایی نمی‌توان به مثابه ناحیه کشاورزی یاد کرد. گسترش تجارت فرامرزی اولین عامل مهم این تغییر کارکرد بوده است، زیرا از طرفی موجب توسعه مشاغل چون دستگردانی کالا در ناحیه شده است و از طرف دیگر واردات کالاهای کشاورزی و صنعتی شرق آسیا و شبه قاره هند را به ناحیه تسهیل کرده است. بنابراین تولید سنتی روستایی ناحیه از نظر اقتصادی قدرت رقابت نداشته و به نفع واردات کالاهای مصرفی از گردونه تولید خارج شده است. از این رو روستا نقش تولیدی ندارد.

توسعه تجارت فرامرزی که خود نقشی اساسی در رشد سریع جمعیتی شهر زاهدان داشته همراه با گسترش مشاغل خدماتی در شهر گروه‌های متعدد اجتماعی و درآمدی را در ناحیه جذب کرده‌اند که اقشار فقیر برای سکونت خود متوجه روستاهای مجاور شهر شده‌اند. سکونتگاه‌های دور از شهر نیز نقش خوابگاهی یافته‌اند زیرا ساکنان آن تولیدی ندارند اما به دلیل اشتغال در ناحیه مرزی و بی‌ثباتی درآمد قادر به ترک روستا و اقامت در مراکز شهری نیستند. گروه‌های ثروتمند شهری نیز از سرزمین اجدادی خود دل‌نکنده و در آن اقامت دارند.



## منابع و مأخذ:

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران دوره ۱، شماره ۴.
۲. افزاخته، حسن، ۱۳۸۲، *انسباط ایستا در قلمرو تولیدات پنبه ای در استان سیستان و بلوچستان*، مجموعه مقالات نخستین همایش ایران در آیین استانهها، بنیاد ایرانشناسی.
۳. اهلرز، اکارت، ۱۳۵۶، *روابط شهر و روستا در ایران*، طبس به عنوان یک نمونه، مقالات چهارمین کنگره جغرافیادانان ایران، دانشگاه مشهد.
۴. اهلرز، اکارت، ۱۳۷۳، *شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت*، تحریر جدید از محمد حسن ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
۵. بازن، مارسل، ۱۳۶۷، *قم شهری زیارتی و مرکز منطقه*، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، مجموعه مقالات جغرافیا، شماره ۴، آستان قدس.
۶. جانب الهی، محمد سعید، ۱۳۷۵، *نظامهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ سرحد (نمونه طایفه ریگی)*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۱.
۷. حسامیان، فرخ و اعتماد، گیتی، ۱۳۶۳، *شهرنشینی در ایران*، انتشارات آگاه، تهران.
۸. زند مقدم، ۱۳۷۰، *حکایت بلوچ*، کتاب دوم، انتشارات مرکز تحقیقات خلیج فارس.
۹. سلیمی فر، مصطفی، ۱۳۷۵، *روند تغییرات نابرابریهای شهری - روستایی در ایران دوره ۱۳۴۵*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۷۸.
۱۰. فشارکی، پریدخت، ۱۳۷۰، *جغرافیای روستایی ایران*، جزوه درسی.
۱۱. مؤمنی، مصطفی، ۱۳۷۷، *پایگاه علم جغرافیا در ایران*، جلد اول، انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۲. نظریان، اصغر، ۱۳۶۵، *سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران*، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره ۱، آستان قدس.

13. Chairman of KMP, 2001: (Kilusang Magbubukidng Pilipinas Peasant Movement of the Philippines, Croomhelm.London.

14. Davoudi.Simin and Dominic Steda, 2003: Urban- Rural Relationships, Built nvironment, Vol 28, no 4, pp 269-277.

15. Poureslami M.Iraj.and others, 2004: "Socio- cultural, environmental and health challenges facing women and children living near the borders between Afghnistan, Iran and Pakistan, "Journal of international women's studies, November 2004,pp:20-33.
- 16.Un Mission, 2000: The Drought situation In the Islamic republic of Iran , Tehran, Islamic Republic of Iran.

